

۳- حمایت و مراقبت مقدمه:

در بینش اسلامی این طرز فکر وجود دارد که کودکان طلبکار به دنیا می‌آیند و دارای حقوقی هستند که والدین و مردم موظف به ادای آن می‌باشند. این حق نشأت می‌گیرد از ولایت مطلقه الهیه که همه عبد و مصنوع او هستند. خداوند در رابطه با حسن اداره فرزندان و ایجاد زمینه برای رشد و کمال ایشان، تکالیفی را برای والدین معین کرده و آنها را در ادای آن مسؤول شناخته است. این تکالیف کلاً در قالب ادب و تربیت طرح و عرضه شده است (ادبوا اولادکم فانهم مسؤولون عنهم)^۱

در کتب روایی ما سخن از وجود بیش از ۳۰ حق درباره کودک است که ادای آنها به تناسب سن، جنس، شرایط و موقعیت، استطاعت و قدرت والدین و... متفاوت است. ما بتناسب، سری مباحثی را که در این مقالات، تعقیب حق خاصی را مورد طرح و بررسی قرار می‌دهیم.

حق حمایت و مراقبت

حق حمایت و مراقبت کودک از حقوق او و از جهانی از مهمترین حقوق به مناسبت حفظ و حراست او و ایجاد رشد در اوست. در آن اصل بر وجود آوردن شرایط و عواملی است که مکمل زندگی سالم و طبیعی او بوده و از بروز بسیاری از سوانح و حوادث جلوگیری کند.

کودک نیاز به حمایت دارد و غرض از آن، وجود آن پشتیبانی بحقی است که او را در طریق حرکت به سوی رشد و کمال یاری دهد. اوبه این امر دلگرم باشد که می‌تواند



تربیت و

سازندگی

دختران

دکتر علی قائمی

مواضع لازم در تربیت دختران

به پیش رود و اگر در سر راه او، مانعی پدید آید، می‌تواند آن را از میان بردارد و والدین و مربیان کمک کننده او هستند و در عقب راه او و به دنبالش روانند.

کودک نیاز به مراقبت دارد از آن بابت که به خیر و صلاح خود واقف نیست، گاهی ممکن است راه را با بیراهه عوضی بگیرد و با در طریق ناصوابی گام بردارد و گمان کند که راه صواب است. والدین و مربیان و مربیان پرچم هدایت و مراقبت او را در دست گرفته و در همه مراحل رشد کودک و نوجوانی، به او می‌گویند به کجا می‌روی و راه درست کدام است. ضمن گوشزد کردن انحراف او سعی دارند راه اصلی را به او بنمایانند.

ضرورت حمایت و مراقبت

اینکه چه لزومی برای حمایت و مراقبت از کودک و نوجوانان است، دلایل بسیاری

مسئولیت آور است. برای والدین این نکته مورد سؤال است که چرا آنچه را که مورد نیاز او بوده به او نگفته‌اند؟ و چرا در اعمال و بکار بستن آنها او را مورد تأیید، حمایت و مراقبت قرار نداده‌اند؟

۲- ضعف او

دنیای کودک دنیای ضعف و ناتوانی است و این سخنی است که مهندس آفرینش درباره مصنوع و مخلوق خود گفته است (خلق الانسان ضعيفاً. خلقکم من ضعف)؛ طفل خود به این ضعف واقف است و می‌داند که قادر به دستیابی، بر همه آنچه را که می‌خواهد، نیست و زبونی و حقارت خود را آگاه است. ضعف‌ها خود زمینه‌ساز تسلیم‌ها، نابسامانی‌های رفتاری و موضع‌گیری‌های نارواست. حمایتی از او لازم است تا به پشت‌گرمی آنها به پیش رود و مراقبتی لازم است تا به دام نیفتد.

۴- شرایط عاطفی

دختران، هم از لحاظ زیستی و هم از لحاظ شرایط تربیتی در وضع عاطفی ویژه‌ای هستند که زمینه برای قبول و باور کردن سخنان و عملکردهای دیگران در ایشان فراهم است. او زود باور می‌کند و به همین علت زود فریب می‌خورد. مختصر تملقی، اندک با فشاری و اصراری، ادای چند سوگند غلیظ و شدید می‌تواند او را از راه به در کند. مسئله شرم و حیا، و زمانی کمروبی افراطی، و گاهی بیخبری از شرایط بیرون و جو اجتماعی هم سربار این مسئله می‌شود.

احساس حمایتی از سوی دیگران برای خود لازم است تا با جرأت به پیش رود و در برابر پیشامدها و جریانات مقاومت داشته باشد. مراقبتی لازم است تا او طعمه و صید دیگران نشود و نابکاران نتوانند در او نفوذ کنند و این تکلیفی برای والدین و مربیان است.

دامنه مراقبت و حمایت

مراقبت و حمایت درباره دختران دامنه وسیعی دارد که در این بحث با رعایت اختصار به موارد زیر اشاره می‌کنیم.

۱- در جنبه زیستی

بخشی از مراقبت‌ها در مورد جنبه‌های زیستی، جسمانی او هستند مثل مراقبت در: سلامت، رشد و تقویت بدن، ایجاد مقاومت در بدن و مهارت در اعضاء و...

مراقبت در تغذیه، بهداشت، حفظ بدن از آسیب‌ها و عوارض، خطرات تصادفات، سانحه و...

مراقبت در نظافت بدن، لمس‌ها، دستکاری‌ها، مخصوصاً در سنین خردسالی که عادات ناپسند پدید نیارود.

در خورد و خواب و استراحت‌ها، حرکت و جنبش، بازی و ورزش، کیفیت خواب در بستر، غلتیدن‌ها و...

در پوشاک بدن، مخصوصاً لباس زیر و

* در کتب روایی ما سخن از

وجود بیش از ۳۰ حق درباره کودک است که ادای آنها به تناسب سن، جنس، شرایط و موقعیت، استطاعت و قدرت والدین و... متفاوت است.

۳- غفلت او

کودک دنیای دیگری دارد، بهنگامی که سرگرمی و اشتغالی پدید آید، چنان در آن غرق می‌شود که از همه چیز غافل می‌ماند. و چه بسا اموری که خیر و صلاحش در آن است و او به آن مورد عنایتی ندارد. در چنان صورتی بیدار بودن والدین و مربیان و ناظر بودن ایشان می‌تواند زمینه‌ساز هشاری‌های او گردد. حمایت از عملکردهای توأم با هشاری او، و مراقبت در رفتاری، زمینه‌ساز رشد اوست.

در این زمینه وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

۱- جهل او

می‌دانیم دختر در شرایطی است که چشم توجه از سوی والدین دارد. او جاهل است و نادان، و جهل جزء ذات و سرشت اوست. (اخر جکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئاً) طبیعی است که صلاح و فساد خود را نشناسد. دادن آگاهی و به دنبال آن حمایتی و مراقبتی لازم است تا دائماً در راه باشد. امانتداری آن هم از سوی خداوند

لباس خواب که فراخ باشد، آهاردار، بسیار زبر و بسیار نرم نباشد.

– درمان و کنترل امراض مخصوصاً در دوران خردسالی و به ویژه بیماریهای دردناک و تب آور که عدم توجه به آن ممکن است عوارض و اختلالاتی مادام العمر بر جای گذارد.

– مراقبت در وضع کار غدد، مسئله بلوغ، پیدایش و قطع آن، بلوغ زودرس، بهداشت دستگاه تناسلی...

– کوشش در رفع نواقص و عیوب بدنی در سنین خردسالی که در سنین بعد امکان جبران نخواهد بود.

– تشویق به امساک لحظه ای و مثلاً هفته ای یک روز در سنین نوجوانی و بلوغ برای آنها که امکان ازدواج ندارند (قال لم یجد واله طولاً، أفلیستعفوا عن الفجور بالصيام

عنایت در اسلام به نفع دختران سنگین تر است.

– مراقبت در حفظ غرور و احساس انبساط و شادمانی او و بهره گیری از عوامل شادمانی او و بهره گیری از عوامل شادکننده برای او

– دلجویی از او در مورد احساس شکست و ضربه های عاطفی و ابراز همدردی و ملامت با او ویژه در حین مظلوم واقع شدن او

– اعلام محبت به او، به گونه ای که وجود خود را در خانه، مایه نشاط و شادمانی والدین بدانند.

– دور داشتن او از عوامل اضطراب و تشویش، وسوسه ها و تردیدها، تنهایی و انزوا که زمینه ساز عوارض ناگواری هستند.

– نوازش های بدنی و بوسیدن دختر – و مزاح با او به گونه ای که چهره او گشاده و

* مادران در حفظ و صیانت

دختران صبورتر و دلسوزترند،

عنایت آنها در حمایت و مراقبت

از دختران بیشتر از پدران است و

بیشتر از دیگران سعی دارند رفتار

او را معقول سازند.

فانه لَصِيفَ بِالشَّهْوَةِ وَيَمْنَعُ الدَّوْرَعِيَّ اِلَى النِّكَاحِ (بیامبر)۵

۲- در جنبه عاطفی

بخشی از حمایت ها و مراقبت باید متوجه جنبه های عاطفی دختران باشد و در این زمینه از مسائلی با رعایت اختصار و به شرح زیر می توان سخن گفت:

– رعایت احترام و بزرگداشت او که خود حقی مهم و نشأت گرفته از کرامت ذاتی انسان است؛

– مهرورزی و عنایت به او بیش از آنچه که در مورد پسران مطرح است که کفه ترازوی

همه گاه با لبخند باشد.

– بحساب آوردن او در میان جمع، گوش دادن به سخنان وی، قبول عذر او و برش از احوال وی...

– پرهیز از شرمسار کردن، به رخ کشیدن عیوب و نواقص و نیز تعدیل خواهش ها و...

۳- در جنبه روانی

مراقبت های روانی و حمایت از او در مراحل رشد اصلی مهم است. مراقبت های درونی در پرتو بهداشت روانی، اجرای تعالیم

مذهبی و اخلاقی، مهر و فخر توأم است. او ممکن است از لحاظ بدنی بالغ ورشید باشد ولی بلوغ روانی او با تأخیر صورت گیرد. روح امید و زندگی در خوف و رجاء متعادل را باید برای او فراهم کرد. او باید به آن درجه از رشد برسد که در باید می تواند به محبت های والدین امیدوار باشد و در کارهای بد آزاد نیست و مؤاخذه می شود.۷

از همان آغاز زندگی و سالهای اولیه تولد درباره او مراقبت داریم که از لحاظ ذهنی، حافظه، هوش، تخیل، کنجکاوی، خلاقیت، استعدادها، سلامت روان در چه اوضاع و موقعیتی است تا اگر عوارض پدید آمد، به اصلاح او اقدام گردد.

در جنبه روانی توجه داریم به امنیت او، رشد فکر و تعقل او، سپردن زمام احساس او به دست عقل، در مواقع حساس زندگی سعی داریم نیاز او را به موفقیت تأمین کنیم، میل به خودنمایی او را در حد مطلوب ارضا نماییم. عزت نفس او را از خطر صدمه دیدن حفظ کنیم

هم چنین سعی و مراقبت داریم کنجکاویه و چراجویی های او را تحت حمایت و مراقبت قرار دهیم، اعتماد بنفس را در او زنده نگه داریم. همان گونه که فطرت و وجدان او را بیدار نگه می داریم. می گویم جنبه دفاعی او را تقویت کنیم، به او روحیه بدهیم که در برابر دشواریها بایستد و مقاومت کند.

۴- در جنبه اجتماعی

بخشی از مراقبت ها و حمایتها در رابطه با زمینه های اجتماعی و اخلاقی اوست. مباحثی که در این جنبه شایان ذکرند بسیار و از آن جمله اند:

مراقبت در معاشرت ها و روابط اجتماعی، طرز برخورد او با جمع، ابراز وجود و اعلام موضع در قبال جمع، حمایت از تعلق و وابستگی او به گونه ای که منجر به افراط نشود، زمینه سازی برای مشارکت و در حیات

*** دختران زود باور می‌کنند، به همین علت زود فریب می‌خورند و مختصر تملقی، اندک پافشاری و اصراری و ادای چند سوگند غلیظ و شدید می‌تواند آنها را از راه به در کند.**

اجتماعی لاف‌در میان جمع خانواده، دوستان و بستگان، مراقبت‌های ویژه در امر تقلید و همانندی او جهت دادن وی در این مورد، مراقبت در اعمال و رفتار که بر اساس ضوابط تأیید شده ادب، نظم و انضباط باشد. توجه به وضع پوشش او بر اساس ضوابط عرف و شرع و مراقبت‌های بهداشتی لازم در این بُعد و...

فراموش نکنیم با تأثیر تربیت و شرایط محیط، بعضی از زمینه‌ها و سنجایای سرشتی فرد متظاهر می‌شود و در نتیجه دومی وجودی که در اصل متشابه بوده‌اند، متفاوت به نظر می‌رسند.^۸ با اینکه این سخن تفاوت‌های فردی را مطرح می‌سازد، نقش و اثر محیط اجتماعی را در ایجاد تحول و تغییر نشان می‌دهد.

در کل به گفته «کارل» «اعمال درونی، بدون تعلیم و تربیت و محیط مناسبی که در آنان آثار فکری، اخلاقی، مذهبی و جمالی نیاکان ما نقش شده است به حال رکود می‌ماند و تا حدود زیادی، شدت و کیفیت تظاهرات نفسانی فرد را محیط روانی وی تعیین می‌کند».^۹ این نکات و دقیق است که ضرورت‌ها در مراقبت و حمایت‌ها را معین می‌کند.

۵- در جنبه فکری و فرهنگی

فرزندان ما و به ویژه دختران، که در محیط محدودتری زندگی می‌کنند و بر اساس آداب و سنن اجتماعی و ضوابط مذهب و عرف کمتر در عرصه حیات

*** به گفته «کارل» اعمال درونی، بدون تعلیم و تربیت و محیط مناسبی که در آنان آثار فکری، اخلاقی، مذهبی و جمالی نیاکان ما نقش شده است به حال رکود می‌ماند.**

ارزش‌ها، می‌توانند جنبه سازنده یا ویران‌کننده‌ای داشته باشند. مراقبتی در واردات ذهنی او و حمایتی از آنچه که حق و مورد تأیید، و مورد عمل اوست ضروری رشد است.

وظیفه والدین و مربیان

در حمایت و مراقبت از دختران والدین و به ویژه، مادران را وظیفه‌ای سنگین است. مادران در حفظ و صیانت دختران صورت‌رو دلسوزترند، عنایت آنها در حمایت و مراقبت از دختران بیشتر از پدر است و بیشتر از دیگران سعی دارند رفتار او را معقول سازند. هم چنین مادران خطر را جدی‌تر می‌گیرند و سعی آنها بر حفظ دختران و آگاه کردن آنها از حوادث و امور بیشتر است.

البته در اغلب خانواده‌ها مراقبت‌ها و حمایت‌ها مشترک است، فرزندان و مخصوصاً دختران تحت چتر حمایتی پدر و مادر به طور مساوی و مشترک رشد می‌کنند. ولی خانواده‌هایی داریم که در آن مراقبت‌ها مجزاست، بدین معنی که پدر امر هدایت و حمایت پسران را بر عهده می‌گیرد و مادر امر هدایت و حمایت دختران را که به نظر ما این شیوه مناسب نیست. در امر تربیت و سازندگی دختران، پدر و مادر تماماً مسئولیت دارند، ولی هر کدام در حیطه اختیارات و امکانات خود که در بحث‌های بعدی بدین مسئله خواهیم پرداخت.

البته شیوه منفردی هم در امر مراقبت وجود دارد بدین معنی که پدری یا مادری به تنهایی امر سرپرستی دختر را بر عهده گیرد و

اجتماعی عیان می‌شوند، نیاز به هدایت فکر، حمایت و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند. آنها به این امر نیاز دارند که فکر واراده شان ساخته و پرداخته شود، آگاه‌های لازم را در زندگی داشته باشند. صرف نظر از عادات خوبی که لازم است آنها را دارا باشند و شرایط آن را در کودکی برای او به وجود می‌آوریم، ضروری است آنها را به موقع از خصایص مواضعی که باید اتخاذ کنند آگاه سازیم تا موقعیت و جای خود را در دنیای جدید دریابند و به انجام وظایف بپردازند.

به گفته «کوچتکف»، «اینان حتی در سنین نوجوانی که بزرگ شده‌اند، هنوز نمی‌توانند خود را نیکو اداره کنند، اراده نیرومندی ندارند که بتوانند جلوی خود را بگیرند و به خود فرمان دهند و با تمایلات سرکش خود را سرکوب کنند، و با پیروی از آرزوها و تمایلات خود، بیش از پیش اراده خود را ضعیف‌تر می‌سازند».^{۱۱}

جنبه‌های فرهنگی از افکار، فلسفه‌ها، ادبیات، آداب و رسوم، هنرها و دیگر یافته‌های اجتماعی^{۱۱} و مسائل وابسته به آنها از ضرب‌المثل‌ها، اشعار، کنایات، استعارات،

این به علت طلاق یا مرگ یکی از آن دو پدید می آید. تجارب نشان داده اند که در چنین صورتی مادران در کار خود موفق ترند تا پدران. به عبارت دیگر مادربه تنهایی می تواند هر دو نقش بدری و مادری را یکجا ایفا نماید، اما پدر به تنهایی بر آن قادر نیست.

کیفیت اعمال حمایت و مراقبت

این ضروری تربیت و صیانت وجود کودک در خطر است که والدین و مربیان چون سایه به دنبال او روان باشند و مراقبت کنند و به کجا می رود و از کجا می آید با چه افرادی معاشرت دارد؟ و به چه کسانی راز دل می گوید و اسرار می پرسد؟

و فریب خواهد بود و مشکل تربیت دوچندان می شود.^{۱۲}

هم چنین در مراقبت آنها در این سنین سعی بر این است که روحشان آسیب نبیند، اعتمادشان از والدین و مربیان سلب نگردد. به فکر و اندیشه شان احترام گذارد، و در عین حال او را با آگاهی و ایمان و با انضباط درونی خودنگهدار و مقاوم سازد. ایمان آگاهانه، ملکات اخلاقی عامل درونی شدن این کنترل است.

سنین مورد تأکید

حمایت و مراقبت از دختران، با توجه به شرایط اجتماعی، در همه جوامع و از جمله کشورما، در همه سنین لازم است ولی در

*** در امر تربیت و سازندگی دختران، پدر و مادر تماماً مسئولیت دارند، ولی هر کدام در حیطه اختیارات و امکانات خود.**

سنین نوجوانی ضروری تر است. از آن بابت که نوجوانی بحرانی ترین مرحله زندگی است، هر کس در جریان زندگی خود به ناچار باید از آن گردباد شدید بگذرد. این گردبادها آنچه نشان وجود درونی و جسمانی نوبالغ را دستخوش جریانات سهمگین خویش می سازد که می توان گفت او را دچار حیرت و سرشکستگی می نماید.^{۱۳}

از سوی دیگر در سنین جوانی عوامل متعددی دست به دست هم می دهند و زمینه را برای لغزشها، انحرافها، وسوسه ها و حتی خودکشی او فراهم می آورند. طبق بررسیها: در سنین نوجوانی حالاتی مثل غمگینی، گریه، گوشه گیری، کاهش علائق، احساس بی ارزشی، انتقام به خود، بی خوابی، بی اشتیایی در آنان پدید می آید که والدین

مخصوصاً ضروری است آمد و شد و معاشرت او را به ویژه در سنین بلوغ زیر نظر داشته باشند.

اجرای این مراقبت در سنین خردسالی از نزدیک و به گونه ای است که دختر آن را لمس کند و دریابد. تجارب نشان داده اند که دختران در سنین ابتدایی از اینکه مادریا پدر را به همراه می بینند، احساس لذت و غرور می کنند و دلگرمی ایشان به حرکت و موضعگیری بیشتر است. حتی اگر هم دست در دست والدین داشته باشند.

اما در سنین نوجوانی و بلوغ مراقبتها باید غیرمربئی و از دور زیر نظر باشد. او مطمئن باشد که شما او را به خود رها نکرده اید، اما شاهد این کنترل نباشد، که در آن صورت امکان محرمانه شدن فعالیتها و توسل به حيله

باید نیکو مراقب باشند و درست تصمیم بگیرند.^{۱۴}

از نظر رفتاری هم می دانیم که نوجوانی سن دست کشیدن از کودکی، استقرار، استقلال، کششی جنسی، بروز انگیزش تهاجمی، عدم اطمینان به بالغ، کوشش برای هم شکلی و انجام کارهای بزرگ، تلاش برای انجام کارها در راستای مورد قبول واقع شدن و... است و این همه ایجاب می کنند که او در مراقبت و حمایت مربیان باشند.

عوارض غفلت

چه بسیارند دخترانی که در سنین مختلف زندگی می کنند و به علت غفلت و مسامحه والدین و مربیان در حفظ و مراقبت، آنها همانند گلهایی می شوند که در برابر طوفانهای شدید حوادث بر بر می شوند. اینان به ویژه در سنین نوجوانی در وضع عاطفی ویژه ای هستند که امکان به دام افتادن برایشان بسیار است. مسوول سقوطشان آنهايي هستند که وظیفه مراقبت داشتند اما ایفا نکردند.

والدین و مربیان، لجام گسیختگی و درهمی و برهمی زندگی دختران، آزادیهای بی بند و بارشان را نباید پذیرا شوند به دلیل حفظ آزادی و شادمانی امروزشان حیات همیشگی شان را به خطر نیندازند. آنها را باید در وضعی اداره کنند که امکان دستیابی غیر به آنها، بی واسطه و راهنا و عقل منفصلی غیر ممکن باشد.^{۱۵}

منابع:

- ۱- مکارم الاخلاق - رسول اکرم
- ۲- آیه ۷۸، سوره نحل
- ۳- سوره نساء، آیه ۲۸
- ۴- سوره روم، آیه ۵۴
- ۵- راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع) ص ۲۹۷
- ۶- سوره اسراء، آیه ۷۰
- ۷- کودک کج ۲، ص ۲۶۴
- ۸- انسان موجود ناشناخته، ص ۲۶۵
- ۹- انسان موجود ناشناخته، ص ۱۶۱
- ۱۰- روان شناسی و تربیت جسمی، ص ۱۶۵
- ۱۱- تعریف نابور از فرهنگ
- ۱۲- شناخت، هدایت و تربیت نوجوان، ص ۳۰۱
- ۱۳- نوجوانی دکتر ایزدی، ص ۶
- ۱۴- نوجوانی دکتر ایزدی، ص ۳۷
- ۱۵- برداشتی از حدیث ص ۲۲ و سابل الشیخ، ص ۱۴